

بند اول : شرق از ....دستان خداست.

قلمرو زبانی : سرزمین ها : واژه مرکب

قلمرو ادبی : « شرق ، غرب ، شمال و جنوب » مجاز از کل جهان / واج آرای «س» / دست : مجاز از « قدرت » / کنایه : «درستان خدا بودن» کنایه از « تحت فرمان خدا بودن».

قلمرو فکری : تمام هستی تحت فرمان خداوند است.

بند دوم : اوست که .... بستاییم، آمین!

قلمرو زبانی: مطلق: بی قید و شرط / خوان : سفره ، مائده ، سماط / اسمای صدگانه: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: مراعات نظیر: خوان ، گسترده / کنایه: «خوان عدل گسترده بودن» کنایه از « عدالت ورزیدن » / آمین: شبه جمله / تشبیه: خوانِ عدالت /

قلمرو فکری: خداوند عادل بی قید و شرط است و سفره عدالت خود را برای همگان گسترانده است نام های الهی بسیار است اما او را به خاطر عادل بودن ، بیش از صفات دیگر ستایش کنیم. آمین  
بند سوم : اگر فکر .... فرا رود.

قلمرو زبانی: حواس : جمع « حس » / از بهر : حرف اضافه « برای » / مبدل : دگرگون / هر دم : هر لحظه / فرا رود : بالا برود / بهره ای والاتر ..... جمله دوجزئی ، نیست : وجود ندارد / فرود آورد : ناگذر

قلمرو ادبی: مجاز : « خاک » مجاز از « جسم » / است و نیست: تضاد / به غبار مبدل ساختن: کنایه از بی ارزش ساختن ، تغییر دادن / دم : مجاز از لحظه

قلمرو فکری: اگر فکر مادی داشته باشی بهره معنوی نخواهی برد. / مفهوم: مادیات نمی توانند روح را بی ارزش سازند زیرا روح متعلق به عالم بالاست.

بند چهارم: هرنفسی را .... از رنج.

قلمرو زبانی : دم : نفس / ممد: یاری رسان / حیات : زندگی / مفرح : شادی بخش / زیبا : ( زیب + ا ) صفت فاعلی / رستن : رها شدن / این یکی مفرح ذات: حذف فعل به قرینه لفظی / به هنگام ، به وقت : قید / رستن: بن ماضی

رست ، بن مضارع : ره

قلمرو ادبی: تضاد : فرو دادن ، برآمدن / سجع : حیات ، ذات / هر نفسی را دونوع نعمت است: تاثیر پذیری از دیباچه گلستان ( قرابت معنایی ) / تنیدن درهم زندگی : استعاره مکنیه

قلمرو فکری: در هر نفسی دو نعمت وجود دارد یکی فرودادن نفس و دیگری بالا آمدن نفس . فرو دادن نفس یاری کننده زندگی است و بالا آمدن نفس شادی بخش وجود است. و این چنین زیبا ، زندگی پر از سختی ها و آسایش ها است ؛ تو خدا را هنگام سختی و به هنگام آسایش شکر کن.

مفهوم: شاکر خدا بودن در هر حال - سختی ها جزء زیبایی های زندگی هستند و باید همراه خوشی ها آنها را هم بپذیریم.

بند پنجم : بگذار بر ... اختران نبینم.

قلمرو زبانی: معتبر: ارزشمند / خیمه : چادر ، خانه / فراز : بالا / اختران : ستارگان / هیچ: ضمیر مبهم

قلمرو ادبی: زین: مجاز از اسب / بر پشت زین ماندن: کنایه از سیر و سفر و در حرکت بودن / « خیمه»: مجاز از « خانه »  
/ مراعات نظیر: کلبه؛ خانه / کنایه: « هیچ جز اختران نبینم » کنایه از « ارزشمند بودن » / پشت زین ماندن و در کلبه  
ماندن: تضاد / اغراق / در کلبه و خیمه خود بمان: استعاره مکنیه

قلمرو فکری: اجازه بده من در سفر باشم و تو در خانه ات بمان؛ اجازه بده شاداب، تا دورترین نقطه پرواز کنم و آزاد و رها  
باشم. / مفهوم: تمایل به آزادی و تعالی  
بند ششم: او اختران ... لذت اندوزیم.

قلمرو زبانی: او: خداوند / بر: خشکی / بحر: دریا، یم / اندوزیم: ذخیره کنیم / نهاده: نهاد: بن ماضی، نه: بن مضارع  
قلمرو ادبی: مجاز: « بر و بحر » مجاز از « کل هستی » / تضاد: بر و بحر / نگاه دوختن: کنایه از خیره شدن / اختران  
، آسمان: مراعات نظیر

تلمیح به تاثیر ستارگان در تشخیص جهات جغرافیایی، یک نوع قطب نمای طبیعی، تلمیح به آیه ۷۹ سوره انعام: «  
هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی الظلمات البر و البحر »  
قلمرو فکری: خداوند ستارگان را در آسمان به عنوان نشانه ای قرار داده است تا نگاه هایمان به عالم بالا باشد و از این سیر  
معنوی لذت ببریم.

دیوان غربی - شرقی، یوهان ولفگانگ گوته

### کارگاه متن پژوهی

#### قلمرو زبانی

- ۱- کاربرد معنایی واژه « دم » را در متن درس بررسی کنید. بند سوم: لحظه بند چهارم: نفس
  - ۲- در هر یک از گروه های اسمی زیر، هسته و وابسته های آن را مشخص کنید:  
\* همین نام: هسته: نام، وابسته پیشین: همین، صفت اشاره  
\* اسمای صدگانه اش: هسته: اسما، صدگانه: وابسته پسین صفت نسبی، ش: وابسته پسین، مضاف الیه
  - ۳- بن ماضی و بن مضارع « رستن » را بنویسید. بن ماضی: رست بن مضارع: ره
  - ۴- برای هر یک از فعل های زیر، نمونه ای از متن درس بیابید.
- مضارع اخباری ( است / نتواند « نمی تواند » ) ماضی نقلی ( تنیده است / گسترده « گسترده است » ) مضارع التزامی ( بستاییم / روم « بروم » )

#### قلمرو ادبی

- ۱- کدام بند از این سروده، بیانگر تأثیر پذیری « گوته » از سبک سعدی است؟ دلیل خود را بنویسید. بند چهارم
- ۲- با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کنید.

مفهوم	نمونه	آرایه ادبی
جسم / کل وجود	خاک / فکر و حواس	مجاز
در حرکت بودن	بر پشت زین ماندن	کنایه

قلمرو فکری

۱- بند نخست درس ، یادآور کدام صفات خداوند است؟ مالک / قادر/ علیم / حافظ / ناظر

۲- « گوته » ، شیفته و دل‌بسته شعر و اندیشه حافظ بود؛ او متن زیر را نیز به تأثیر پذیری از حافظ سروده است:

« مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش بیتی چند از غزل‌های شورانگیز تو را می خواند تا اختران آسمان را

بیدار کند و رهنان کوه و دشت را بترساند؟ »

الف) کدام قسمت از متن درس با سروده بالا ارتباط معنایی دارد؟ بند ششم

ب) بیتی از حافظ بیابید که با سروده بالا مناسبت داشته باشد؟

زرقیب دیوسیرت به خدای خود پناهیم مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را

• ثاقب : روشن

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ سرود زهره به رقص آورد مسیحا را

۳- ابن بخش از سروده گوته ، بیانگر چه دیدگاهی است؟

و تو شکر خدا کن ، به هنگام رنج / و شکر او کن ، به وقت رستن از رنج . شکر گزاری در همه حال

۴- کدام بخش از سروده گوته ، با متن زیر هم نواست؟ بند پنجم

« در کویر ، بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده ، دیگر هیچ نیست. صحرای بی کران عدم است... راه ، تنها به سوی آسمان

باز است ، کشور سبز آرزوها ، چشمه موج و زلال نوازش ها ، امیدها و ... »

کشور سبز آرزوها: تشبیه / چشمه موج و زلال نوازش ها: تشبیه / آرزو و امید: تناسب

علی شریعتی

روان خوانیآذرباد

آذر باد / نام اصلی: جانانان / نویسنده: ریچارد باخ / دلیل هم ذات پنداری در ترجمه: استفاده از نام

های فارسی مثل: آذرباد، بزرگ امید و رزمیار / عناصر داستان : ۱- زاویه دید: سوم شخص

۲- شخصیت و قهرمان: آذرباد و بزرگ امید

۳- هسته یا طرح داستان: ارتباط آذر باد با دوستان و رهبر پرنندگان ۴- درون مایه : آزادی ، دوری از

تقلید ، اعتراض ، تلاش و پشتکار ، قانع نشدن به زندگی تکراری ، اهمیت به روح

بند اول : صبح بود.....پرواز بود. فضا سازی بهترین مثال برای زمان و مکان و فضا

قلمرو زبانی: هلله فریاد شادی / ترکیب ها : امواج دریا و غذای خود ( اضافی ) / سوی دیگر- مرغان دریایی- روز

پرتحرک- روز دیگر - مسافتی دورتر ( وصفی ) مشغول: مسند

قلمرو ادبی: تشبیه ( پرتو آفتاب مانند طلا می درخشید)

بند دوم : آذرباد، یک .....دست بدهد.

قلمرو زبانی: یک مرغ - مرغ عادی ( ترکیب وصفی ) / راجع به: اهمیت املائی / بیاموزند: مضارع التزامی / به زودی:

قید

قلمرو ادبی: سر خوردن کنایه از ناامید شدن/ آذرباد از آموختن پرواز لذت می برد : تشخیص

قلمرو فکری: مفهوم: افرادی که هم‌رنگ مردم نیستند در بین آنها جایگاهی ندارند.

بند سوم: مادرش پرسید..... واستخوان شده‌ای.»

قلمرو زبانی: سخت (مسند) مناسب: مسند / مثل: حرف اضافه دیگران: متمم / ترکیب‌ها: پرندگان دیگر (وصفی)

قلمرو ادبی: یک پارچه: (کنایه از کاملاً) / پوست و استخوان شدن: کنایه از لاغری

قلمرو فکری: مفهوم: تغییر سختی و مشکل دارد

بند چهارم: آذرباد: «.....مهربانی می‌گفت:

قلمرو زبانی: مهم (مسند) / بسنجم: مضارع التزامی / با مهربانی: قید

قلمرو ادبی: استخوان و پوست شدن: کنایه از ضعف و لاغری

قلمرو فکری: مفهوم: مصمم بودن در هدف

بند پنجم: «ببین پسر!.....خوراک هست.»

قلمرو زبانی: ببین (فعل امر) پسر (منادا) / نزدیک: مسند / کمتر: قید / عمق زیاد: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: نان و آب (مجاز از غذا) / نان و آب نمی‌شود: کنایه از اینکه سودی ندارد.

قلمرو فکری: مفهوم: توجه به جسم و مادیات

بند ششم: «آذرباد.....را آغاز کرده بود.»

قلمرو زبانی: چندروز: (ترکیب وصفی) / تنها: مسند / دوباره: قید

قلمرو فکری: مفهوم: پی‌گیری هدف

بند هفتم: مسأله اصلی.....در آب می‌افتاد.

قلمرو زبانی: ترکیب‌های وصفی (مساله اصلی - هر مرغ - مرغ دریایی - بال چپ - چند ثانیه - طرف چپ - ده بار - این پرواز -

هفتاد کیلومتر - هزار متر / ترکیب‌های اضافی: بال‌های او - بال‌هایش - پرهایش - ثبات خود / فرسنگ: واحد مسافت (

حدود ۶ کیلومتر) / معمولاً: قید / به سختی: قید / افعال مجهول: کشیده می‌شد و کنده می‌شدند

قلمرو ادبی: از دست دادن ثبات بال: تشخیص و کنایه از ضعیف شدن

قلمرو فکری: مفهوم: پشتکار و اراده قوی

بند هشتم: اکنون سرعت.....عادی باشد...»

قلمرو زبانی: اکنون (قید) باز (قید) / ترکیب‌های وصفی: مرغان دریایی - مرغان دیگر - همان اتفاق - اتفاق همیشگی -

سرعت زیاد - بال‌های کوتاه - مرغ دریایی محدود و بیچاره (۳ ترکیب) مرغ عادی / ترکیب اضافی: زاویه پرواز - پرواز او

/ شناور: مسند / راه حل: مسند / پدیدار: مسند / حماقت: نادانی / کنار بگذاری: اهمیت املایی

قلمرو ادبی: به خود آمدن: کنایه از متوجه خود شدن - سرحال شدن / طبیعت سر راه تو مشکلاتی نهاده است: تشخیص /

به دیگران پیوستن: تقلید کردن، مانند دیگران شدن / حماقت را کنار بگذاری: کنایه از ترک کنی، رها کنی / جناس:

بال، بار، حال

قلمرو فکری: مفهوم: هم‌رنگ جماعت شدن

بند نهم: روزها گذشت.....به پایین آمدن کرد.

قلمرو زبانی: روزها (نهاد) - آنچه (مفعول) - فقط (قید) - یک بال : ترکیب وصفی - بال کوتاه: وصفی - دوهزار متر: وصفی - یک لحظه: وصفی

قلمرو ادبی: متر و ارتفاع (تناسب)

قلمرو فکری: مفهوم : ناامید نشدن

بند دهم : چشمه‌هایش.....پشیمانی نداشت.

قلمرو زبانی: محکم (قید) - «ش» صورتش: مضاف الیه / می خورد: ماضی استمراری / وجد و شادی: نقش تبعی معطوف / رگ های خود - پیمان خود - چشمه‌هایش: ترکیب اضافی

قلمرو فکری: مفهوم : مصمم بودن در هدف

بند یازدهم : پیش از سپیده دم.....مرغ های دریایی بود.

قلمرو زبانی: پیش از سپیده دم (قید) / شعف: شادی شور: معطوف / ترکیب اضافی : اندام خود- ترس خود: / بالیدن: در این درس افتخار کردن ۳ جزئی گذرا به متمم (معنی دیگر: رشد کردن: ناگذر ۲ جزئی) / ترکیب وصفی : لرزش خفیف - سرعت نهایی- این لحظه - بزرگترین لحظه (مسند) - دویست و چهل کیلومتر- هیچ چیز

قلمرو ادبی: آذر باد مانند دیوار محکمی باد را می شکافت (تشبیه)

قلمرو فکری: احساس رضایت و خوشحالی از پیروزی

بند دوازدهم : آذرباد به .....وآموخت.

قلمرو زبانی: ترکیب وصفی : مکان دور افتاده - آن روز- هیچ کس - تمام فن - فن هوانوردی / مکان خود (اضافی)

قلمرو ادبی: حلقه زدن، غلتیدن، چرخیدن: مراعات نظیر / کند وتند: تضاد

قلمرو فکری: مفهوم : دستیابی به مهارت با تمرین میسر است

بند سیزدهم : اوبا.....داشته باشیم.

قلمرو زبانی: با خوشحالی: قید / توانایی ما مرغان دریایی: مرغان دریایی (بدل از ما) / حالا و چه قدر: قید / زندگی : نهاد

پرمعنی: مسند / هدف دیگر: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: غرق در شادی شدن (کنایه از نهایت خوشحالی)

قلمرو فکری: مفهوم : ایمان به هدف والا

بند چهاردهم : وقتی نزدیک .....افتخار یا ننگی بزرگ!

قلمرو زبانی: قید : نزدیک - در این حالت - مدتی / نگران: مسند

قلمرو ادبی: صدای رئیس گروه خشک و جدی بود : خشک بودن صدا: حس آمیزی - و کنایه از عصبانیت

قلمرو فکری: مفهوم : نگرانی دوستان از سرنوشت آذر باد

بند پانزدهم : رئیس گروه دادزد.....ولی آذرباد خاموش نماند.

قلمرو زبانی : آذر باد: منادا / ترکیب وصفی : ننگ بزرگ - یک روز - چنین وضعیتی / قوانین اجتماع: اضافی / ولی: حرف ربط هم پایه ساز

قلمرو ادبی : سرپیچی: کنایه از نافرمانی

قلمرو فکری: مفهوم : سرزنش یا قضاوت نادرست درباره نو اندیشان

بند شانزدهم : « سر پیچی از قوانین.....که چه یافته ام.»

قلمرو زبانی : این غیر ممکن است: سه جزئی گذرا به مسند / برادران من: منادا / مسئولیت: اهمیت املایی / ترکیب

وصفی : هدف والاتر - هزاران سال - نان مانده - دلیل دیگر / اندکی: قید / بدهید، بدهم : مضارع التزامی / یافته ام:

ماضی نقلی

قلمرو ادبی : آموختن و یافتن: تناسب

قلمرو فکری :اعتراض به محکوم نمودن و ایمان به هدف والا

بند هفدهم : مرغان دریایی حاضر نشدند .....را کوتاه می کنند.

قلمرو زبانی : مرغان دریایی - هر روز - چیز تازه - این نعمت - نعمت بزرگ - هیچ گونه - این مدت: ترکیب وصفی / )

زندگی یکنواخت ، ترس و خشم عواملی هستند: ( سه جزئی گذرا به مسند ) / بیاموزند و انجام دهند: مضارع التزامی

قلمرو ادبی : چشمان خود را باز کردن: کنایه از آگاهی

قلمرو فکری: تغییر لازمه زندگی یکنواخت است.

بند هجدهم : عصر یک روز دومرغ.....بالا تریبیریم»

قلمرو زبانی : دومرغ - یک روز - آسمان آرام - آسمان راحت: ترکیب وصفی / راحت: معطوف / ما از گروه تو هستیم ( از

گروه تو : مسند )

قلمرو ادبی: آرام و راحت : تناسب

قلمرو فکری: آغاز تغییر

بند نوزدهم : آذرباد با آن مرغان .....برایش میسر نبود.

قلمرو زبانی: باز - تندتر - هنوز: قید / رسیدن به آن برایش میسر نبود: میسر( ممکن) مسند

قلمرو فکری: فرار از محدودیت و رسیدن به اوج

بند بیستم : یک روز صبح،.....بزرگ امید؟»

قلمرو زبانی: بزرگ امید ( بدل از آموزگار) / اندیشه: فکر / یک روز صبح - چنین: قید / بزرگ امید: منادا

بند بیست و یکم : در اینجا مرغ ها.....پیش از این بودم...»

قلمرو زبانی : افکار خود: اضافی / به آرامی و بدون سرو صدا: قید / مرغان بیشتر - این فن - اینجا : ترکیب وصفی /

اینجا نیستند: فعل غیر اسنادی / اینجا: قید

قلمرو ادبی: به آرامی و بدون سرو صدا ( تناسب )

قلمرو فکری: سکوت در مرحله اوج

بند بیست و دوم : بزرگ امید .....وبه اینجا برسی.»

قلمرو زبانی: هزاران هزار مرغ - چند مرحله - ده هزار مرحله - صدها مرحله - مرحله دیگر - صد سال - سال دیگر - هزاران مرحله: ترکیب وصفی / هیچ: ضمیر مبهم

قلمرو ادبی: خوردن، جنگیدن و قدرت طلبی ( مجاز از زندگی مادی )

قلمرو فکری: رسیدن به تکامل با کنار گذاشتن مادیات ممکن است و باید راهنمای دیگران هم باشیم.

بند بیست و سوم : نزدیک به یک ماه.....این راه بکوش.»

قلمرو زبانی : بالاخره: قید / آن روز و آخرین کلمات: ترکیب وصفی

قلمرو فکری: تغییر و رسیدن به هدف بزرگ عشق می خواهد و تلاش

بند بیست و چهارم : روزها سپری .....می خواهند، بیاموزد.

قلمرو زبانی : ایستاده بود: ماضی بعید / می اندیشید: ماضی استمراری / داشته باشد: ماضی التزامی / بخواهد ، بیابد و

بیاموزد: مضارع التزامی / دریافته است: ماضی نقلی / می خواهند: مضارع اخباری

قلمرو ادبی: ماهی و تکه نان: مجاز از روزی و غذا، مادیات

قلمرو فکری: عشق یعنی آموختن آنچه دریافت کردی به دیگران

بند بیست و پنجم : بالاخره آذرباد.....جدیدی راه بیندازند.»

قلمرو زبانی : بزرگ امید: منادا

قلمرو ادبی: راه انداختن ( کنایه از آموزش دادن)

قلمرو فکری: آموزش ادامه دارد و میل به بازگشت به اصل خود

بند بیست و ششم : پس از این،.....و مقید نمی شود.

قلمرو زبانی : او تنها هیکلی ....نیست: سه جزئی گذرا به مسند / هیچ چیز: وصفی / با هیچ چیز محدود و مقید نمی

شود: سه جزئی گذرا به مسند / مقید: معطوف

قلمرو ادبی : استخوان و پر: مجاز از جسم / مراعات نظیر : مظهر و نماینده - آزادی و بلند پروازی - محدود و مقید -

تصویر و ترسیم

قلمرو فکری: توجه به روح و یا کسی که از حصار محدودیت فرار می کند به اوج می رسد.

بند بیست و هفتم : «در پرواز.....، صورتی از آزادی مطلق.»

قلمرو زبانی : سه ماه - شش شاگرد- همه آن‌ها- آزادی مطلق- یک حشره : ترکیب وصفی / ترکیب اضافی: مرغ حقیقت

قلمرو ادبی : این سو و آن سو: مجاز از هر طرف / شور و هیجان: مراعات نظیر

قلمرو فکری: همه موجودات طالب آزادی هستند.

بند بیست و هشتم : آذرباد وقت غروب .....تحقق پذیر باشد.

قلمرو زبانی : وقت غروب: قید / هر چیز و هیچ کدام: ترکیب وصفی / نفهمیده بود: ماضی بعید

قلمرو ادبی : زیاد و کم: تضاد / پرواز روح و اندیشه: استعاره / روح و جسم: مراعات نظیر و تضاد / پشت سر گذاشتن:

کنایه از ترک کردن

قلمرو فکری : روح متعالی است.

بند بیست ونهم : « سرتاسر بدن .....هم می گسلد... »

قلمرو زبانی : بشکند: مضارع التزامی / می گسلد: مضارع اخباری ( بن ماضی: گسیخت بن مضارع: غسل

قلمرو ادبی : زنجیر جسم: تشبیه / زنجیر و گسستن : مراعات نظیر

قلمرو فکری : روح و جسم وابسته یکدیگر هستند.

بند سی ام : تا طلوع آفتاب.....را پشت سر بگذارد.

قلمرو زبانی : بسیار: قید / نهاد: وجود / تا طلوع آفتاب و تقریباً: قید

قلمرو ادبی: پشت سر گذاشتن : کنایه از عبور کردن / محدودیت و آزادی: تضاد

قلمرو فکری: رهایی از محدودیت و رسیدن به آزادی

بند سی و یکم : عدّه شاگردان ..ویاشیطان»

قلمرو زبانی : هر روز ، یک روز و هزار سال: ترکیب وصفی / ریشخند: مسخره / افسوس: شبه جمله

قلمرو ادبی : هزار سال از زمانه ما پیشرفته تر هستی: اغراق / خدا: نماد تقدس یاراهنمایی / شیطان: نماد تنفر یا فریب /

خدا و شیطان: تضاد

قلمرو فکری : مفهوم :۱- فراتر بودن آزادی خواهان و بلند پروازان از دیگران ۲- قضاوت نادرست درباره نو اندیشان

بند سی و دوم : رزمیار، تو .....راه و رسم آن را بیایی.»

قلمرو زبانی : رزمیار: منادا

قلمرو ادبی : راه و رسم: تناسب / مرغ حقیقت: تشبیه

قلمرو فکری : فقط عاشق به کشف درون خود می رسد

بند سی و سوم : رزمیار، تو دیگر و.....تو خواهد بود

قلمرو زبانی : رزمیار: منادا

قلمرو ادبی : طبیعت تو آموزگار تو خواهد بود: تشخیص / طبیعت و جوهر: مراعات نظیر

قلمرو فکری : هر کس به مرحله خوشناسی برسد از آموزش بی نیاز است.

پرنده ای به نام آذرباد، ریچارد باخ ترجمه سودابه پرتوی

پیام های اصلی و محوری این داستان: جور دیگر بودن است برای جور دیگر بودن باید هزینه داد، پرواز روح و اندیشه ، مانند

پرواز جسم می تواند تحقق پذیر باشد. وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می گویند یا خداست یا

شیطان.

درک و دریافت

۱- این متن داستانی را از نظر زاویه دید بررسی کنید. . سوم شخص یا دانای کل

۲) کدام خصلت های درونی ، عامل مهم در رشد و پیشرفت آذرباد بود؟ متفاوت اندیشیدن- همت بلند- کمال طلبی- بلند

پروازی- اعتماد به خود ، میل به دانستن و پیشرفت

الهی



## نیایش

## ۱- الهی، ز عصیان مرا پاک کن در اعمال شایسته، چالاک کن

قلمرو زبانی: الهی: منادا / عصیان: نافرمانی، خلاف طاعت / چالاک: تند، تیز / پاک و چالاک: مسند قلمرو فکری: خدایا مرا از گناه و معصیت پاک گردان و در انجام اعمال شایسته، تند و چالاک کن.

## ۲- به عصیان سراپای آلوده ام سراپا ز آلودگی پاک کن

قلمرو زبانی: سراپا: تمام وجود / آلودگی: (آلود + ه (تبدیل ه به گ) + ی. «گ» واج میانجی است قلمرو ادبی: آلوده و پاک: تضاد / سراپا: مجاز از کل وجود

قلمرو فکری: تمام وجود م به گناه آلوده است، همه وجود مرا از گناه پاک کن.

## ۳- دلم را بده عزم بر بندگی نه چون بی غمانم هوسناک کن

قلمرو زبانی: عزم: قصد، اراده / بی غم: بی اعتنا / هوسناک: آن کسی که در پی هوس های خود باشد / را: حرف اضافه / «م» در بی غمانم: مفعول

قلمرو ادبی: مجاز: دل مجاز از کل وجود

قلمرو فکری: خدایا اراده بندگی خود را در دلم قرار بده و مرا چون افرادی که به دنبال هوا و هوس می روند نگردان.

## ۴- به خاک درت گر نیارم سجود مکافات آن بر سرم خاک کن

قلمرو زبانی: مکافات: مجازات، جزا، کیفر

قلمرو ادبی: مراعات نظیر: سجود، خاک / تکرار: خاک / خاک بر سر کردن: کنایه از بد بخت و بیچاره کردن

قلمرو فکری: اگر به درگاه تو سجده نکنم، برای آن گناه مرا مجازات کن.

## ۵- نشاطی بده در عبادت مرا دل لشکر دیو، غمناک کن

قلمرو زبانی: نشاط: شادی / را: حرف اضافه

قلمرو ادبی: تضاد: نشاط، غمناک / مجاز: دل مجاز از تمام وجود / دیو: استعاره از شیطان / لشکر دیو: استعاره از پیروان شیطان

قلمرو فکری: خدایا در عبادت و بندگی آن چنان نشاطی بده که شیطان غمگین شود.

## ۶- به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی باک کن

قلمرو زبانی: حشر: روز قیامت / حشرم: «م» مضاف الیه / هول: ترس / هولم: «م» مفعول است «در آن روز مرا بی باک کن»

قلمرو ادبی: / نامه: مجاز از نامه اعمال / نامه در دست راست داشتن: کنایه از قرار گرفتن در ردیف بهشتیان، تلمیح به (اهل یمین)

قلمرو فکری: خدایا در روز قیامت، نامه اعمال مرا به دست راستم بده و مرا در مقابل ترس روز قیامت، ایمن گردان.

**با آرزوی موفقیت و بهروزی برای شما دانش آموزان عزیز**

**گروه درسی ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی**

**شهریور ۹۹**